

اطرافیان و بیمار «ام‌اس» جاده یک‌طرفه یا راهی دوسویه



مریم پیمان

● با خوشحالی نامه را باز می‌کنم؛ یک «غریبه» مطلب من را خوانده و آن‌قدر برایش مهم بوده که پاسخی نوشته و ارسال کرده است. ذوق دارم، همسر یک بیمار است و از علاقه و محبت دوطرفه بین خودشان نوشته، از همراهی‌هایشان و از خواسته‌هایش برای بیشترنوشتن و از زبان اطرافیان گفتن. یاد روزهایی می‌افتم که نیمه‌های شب همسر مرا با گریه بیدار می‌کردم و راهی بیمارستان می‌شدیم و ساعت‌ها در اورژانس بودیم و صبح زود هم او سر کار می‌رفت؛ روزهایی که تحملش برای من دشوار و برای او دشوارتر بود. روزهایی که آرام‌آرام به من آموخت منصفانه نیست که به جرم عشق، شاهد سختی‌های همراهی‌اش باشم. مادرم با نگرانی مشهودی به چهره‌ام خیره می‌شود و ملمسمانه می‌خواهد که تا برمی‌گردد غایبم را بخورم. تهدید صدایش در برابر محبت نگاهش کتمان‌شدنی است؛ یک عمر است با بچه ناخلفش سر هر چیزی که غذاخوردن کوچک‌ترین و رایج‌ترین آت‌هاست درگیر می‌شود. مهربانی، نگرانی و از همه مهم‌تر ترس از ضعف و بیماری من در چشمانش مشهود است. دلم می‌خواهد در آغوش بگیرمش و گریه کنم برای مادری که بزرگ‌ترین دغدغه‌اش بیماری فرزندش است؛ فرزندى که با انتخاب‌های روزمره‌اش به بیماری‌اش دامن می‌زند. تنها مادرم نیست، خواهر دلسوزی هم هست که هنوز بعد از سال‌ها نیاموخته که با دعوا نمی‌تواند من را آرام کند. او هم از کسانی است که دلم می‌خواهد بهش بگویم از بودن و داشتنش شادم. تعداد مهربانان کم نیست؛ تعداد همراهانی که در این ۱۷ سال بودند و کمک کردند. بین همه آنها مادرم و همسری که سال‌ها در کنارم بود، بیش از دیگران در سختی‌ها سهیم بودند. برای هرکسی سخت است که درکنشیدن دیگری را نظاره کند و درد نکشد. به‌ویژه اگر ببیند کاری از دست خودش برنمی‌آید؛ کار سختی است. آن‌قدر سخت هست که در ۱۳سالگی با دیدن پدرم روی تخت بیمارستان آرزو کردم دردهای همه خانواده و دوستانم را بر دوش بکشم و هرگز شاهد درد آنها نیابم؛ اما نه‌تنها خودم دردمند شدم بلکه درد بسیاری را هم دیدم. همراهی اطرافیان و کمک‌های آنها کتمان‌شدنی نیست و این لطف همیشه در شکل و اندازه‌های گوناگون نوسان داشته است؛ از تهدید به خوردن و دعوا تا محبت و آغوش. گاهی آن‌قدر دلننگ هرکدام از این اشکال می‌شوم که شکل موجود را نمی‌بینم یا برداشت غلطی از آن دارم، عصبی می‌شوم و با پرخاش، دیگری را دلگیر می‌کنم. این قصه یک‌طرفه نیست؛ همه یار مراعات و همراهی بر گردن اطرافیان یا من نیست. عصبانیت، همراهی نکردن و به‌ویژه فراموش کردن شرایط خاص از طرف همه اطرافیان گاه و بی‌گاه می‌دهد و تحمل درد و رنج بیماربودن را دشوار می‌کند. سروصدای زیاد، اصرار بر بیداری و خواب منظم، بودن در فضای بسته و گرم با سرفه‌های تابستانی و خیلی چیزهای زندگی عادی برای من عادی نیست و زندگی کردن با فرد غیرعادی برای همه با وجود عشق و محبت، دشوار است، اما چه کنم که فرد سالم هم با اطرافیان درگیر می‌شود، چه برسد به آدم حساس و بیمار. هم من و هم اطرافیان شرایط را می‌شناسیم؛ اما در عمل خیلی موفق به قدردانی و همراهی دوطرفه نیستیم.

در میزگرد کودکان کار با حضور کارشناسان در «شرق» مطرح شد

آسیب‌های اجتماعی؛ نان دانی حوزه‌های متولی



عکاس: رونق‌ه رستنی، شرق

می‌گویند بهزیستی، آن می‌گوید ستاد موادمخدر و... همین‌طور پاس‌کاری می‌شود. یکی از دلایلی که عزمی وجود ندارد، به نظر من این است که خیلی از پروژه‌هایی که تعریف می‌شود، به‌خصوص در سطح مدیران میانی این است که در آن ساختار فساد اداری رخنه کرده. کار کودک شده نان دانی، اعتیاد شده نان دانی، یک‌سری جلسه‌های بی‌بازده برگزار می‌شود، یک‌سری پروژه‌های بی‌بازده برگزار می‌شود برای اینکه یک سری این وسط نان بخورند. در سطح مدیران میانی، خیلی ما این را می‌بینیم. همان صحتی که شما درباره قضیه کودک محروم از تحصیل می‌گدید، شاید در آینده نزدیک مشخص شود که چقدر هزینه اینجا تلف شده است. این دوستان نمی‌خواهند اعتیاد نباشد، زیرا اگر اعتیاد نباشد، آن درآمدهایی که در این وسط دارد جابه‌جا می‌شود، دیگر نیست و ما با یک روزمرگی که در آن بخوربخوری هم تلفیق شده، روبه‌رو هستیم در کل بحث آسیب‌های اجتماعی؛ یعنی آسیب‌های اجتماعی شده محلی برای درآمد و اصلاً یک نفر بالاتر یک قدم نمی‌رود و بگویند این آسیبی که ما داریم این‌قدر از آن کسب درآمد می‌کنیم، قرار است نباشد. خب نباشد، از کجا ما درآمد داشته باشیم. در بحث کودکان کار، آقای کردونسی به مثالی اشاره کردند که شامل آن‌جی‌او، دستگاه‌های دولتی و رسانه می‌شود؛ این خیلی کارآمد می‌تواند باشد همین‌طور نقشی که رسانه‌ها در آگاه‌سازی مردم در ایجاد مطالبه دارند، به نظر می‌رسد باید مطالبه‌گری را در مردم تقویت کرد. الان درباره رژی‌ا، کودکی مجهول‌الهویه‌ای که به‌تازگی به دلیل سونوگرافی‌های از بین‌رفت... هر روز به ما زنگ می‌زنند. یک روز از بهزیستی زنگ می‌زنند، یک روز از اورژانس اجتماعی زنگ می‌زنند، یک روز بهداشت زنگ می‌زند و... که قضیه چه بوده؟ می‌خواهند یک نفر گناهکار پیدا کنند و آن را قربانی کنند؛ مثلاً فرض کنید بیمارستان پرستارش بد بوده، خوب رسیدگی نکرده و فراق‌کنی کنند و قضیه را ببندند. وقتی که واقعا نمی‌خواهیم کاری صورت بگیرد، وقتی هم اتفاقی می‌افتد، دقیقاً کارمان ماستمالی است و می‌خواهیم این قضیه را به صورت خیلی مشخصی ببندازیم کردن یک نفر و برویم دنبال روزمرگی خودمان.

می‌خواهند اعتیاد نباشد زیرا اگر اعتیاد نباشد آن درآمدی که در این وسط دارد جابه‌جا می‌شود، دیگر نیست و ما با یک روزمرگی که در آن بخوربخوری هم تلفیق شده روبه‌رو هستیم در کل بحث آسیب‌های اجتماعی؛ یعنی آسیب‌های اجتماعی شده محلی برای درآمد و اصلاً یک نفر بالاتر یک قدم نمی‌رود

و در مردم تقویت کرد. الان درباره رژی‌ا، کودکی مجهول‌الهویه‌ای که به‌تازگی به دلیل سونوگرافی‌های از بین‌رفت... هر روز به ما زنگ می‌زنند. یک روز از بهزیستی زنگ می‌زنند، یک روز از اورژانس اجتماعی زنگ می‌زنند، یک روز بهداشت زنگ می‌زند و... که قضیه چه بوده؟ می‌خواهند یک نفر گناهکار پیدا کنند و آن را قربانی کنند؛ مثلاً فرض کنید بیمارستان پرستارش بد بوده، خوب رسیدگی نکرده و فراق‌کنی کنند و قضیه را ببندند. وقتی که واقعا نمی‌خواهیم کاری صورت بگیرد، وقتی هم اتفاقی می‌افتد، دقیقاً کارمان ماستمالی است و می‌خواهیم این قضیه را به صورت خیلی مشخصی ببندازیم کردن یک نفر و برویم دنبال روزمرگی خودمان.

ما روزی داریم به نام روز جهانی کار کودک. در آن یک هفته‌ای که مانده تا آن روز، خیلی کارهای نهادینی انجام می‌شود که همه ما بلدیم؛ شمع روشن می‌کنیم،

منتشر نمی‌کند؟ حداقل فایده این اقدام این است که آقای کردونی هر سال برای نمونه در روز جهانی مبارزه با کار کودک یک گزارش می‌دهد که براساس تکالیف قانونی، دستگاه‌ها چه کرده‌اند؟ شما هم می‌توانید بگویند من به‌عنوان یک دستگاه یا دبیرخانه، به‌لحاظ قانونی قدرت پاسخ‌دهی نداشتم؛ بنابراین تکلیف روشن است که همه باید برویم این نقص قانونی را حل کنیم. چون شورای تشکیل شده، با مجموعه‌ای از دستگاه‌ها و تکالیف متعدد؛ اما در عمل اقدام مؤثری اتفاق نمی‌افتد و هیچ‌کس هم یک گزارش درستی نمی‌دهد که چرا؟ کردونی: این حرف، حرف درستی است، پیشنهادتان هم پیشنهاد جامعی است در دستور کار ما هست و به‌زودی انجام خواهد شد.

رحیمی: در زمینه کار کودک از نظر من دو عنصر وجود دارد؛ یکی عنصر مادی است و یکی عنصر معنوی که هر دو لازمه ایجاد تغییر و تحولی در این عرصه است. عنصر معنوی آن عزم ملی است؛ یعنی اینکه ما واقعا بخواهیم کار کودک لغو شود، یعنی یک موضوعی است که نه به‌لحاظ ایده‌آلیستی، بلکه به‌لحاظ واقعی و تجربه‌ای، در دنیا انجام شده و این تجربه پاسخ گرفته است. عنصر مادی هم، همان دانشی است که باید به این قضیه اضافه شود؛ یعنی دانشی که به کمک این عزم می‌آید و آن را جهت می‌دهد، به نظر من بزرگ‌ترین مشکل این است که هیچ‌کدام از اینها وجود ندارند؛ عزمی برای لغو کار کودک به‌هیچ‌عنوان وجود

ندارد. وقتی دستگاه‌ها موضوعی را مثل توب به هم پاس می‌دهند پس عزمی وجود ندارد. این را ما تجربه کرده‌ایم؛ هیچ‌کدام نمی‌خواهند، دستگاه‌ها نمی‌خواهند مسئولیتی برعهده بگیرند، نمی‌خواهند متولی شوند و می‌خواهند فراق‌کنی کنند. این بدان معنی است که در آن دستگاه یا در آن جایگاه عزمی وجود ندارد و صرفاً می‌خواهند سلب مسئولیت کنند و بگویند ما کارمان را انجام دادیم. حالا ببینیم دیگران اگر انجام ندادند، دیگر ما کار خودمان را انجام داده‌ایم. این به این معنی است که در کشور ما عزم ملی برای لغو کار کودک وجود ندارد و حالا دانشی هم که باید بومی‌سازی شود و به کمک آن بیاپید وجود ندارد، برای اینکه اصلاً اراده‌ای نبوده که بخواهند آن دانش هم در کنارش جمع شود. برای نمونه اعتیاد کودک؛ وقتی در این زمینه دنبال دستگاه متولی می‌گردیم، بهزیستی می‌گوید بهداشت، بهداشت

شهرزاد همتی؛ واقعیت این است که ۱۶۸ میلیون کودک در جهان کار می‌کنند، انکار هم چاره‌ای ندارند...؛ یعنی بچه‌هایی که در عنوان کودکی بزرگ می‌شوند و زندگی‌شان رنگ کارگری می‌گیرد. ایران هم از این قاعده مستثنا نیست. کوره‌پزخانه‌ها، آهنگری‌ها و خیابان‌های شهر مملو از کودکان تنهایی هستند که به‌واسطه فقر و آسیب‌زدگی، هویت زندگی کودکان را از دست داده‌اند. هرچند مطابق آمار سازمان جهانی کار، تعداد کودکان کار در جهان از ۲۴۵ میلیون نفر در سال ۲۰۰۰ میلادی با یک‌سوم کاهش به ۱۶۸ میلیون نفر در سال ۲۰۱۲ رسیده است. اما ماجرا این است که شرایط کودکان کار در ایران بحرانی است و بخش عمده‌ای از آنها حتی از تحصیل محرومند. در هفته‌ای که گذشت، روزنامه «شرق»، میزان سه نفر از گروه‌های مختلف درگیر کار کودکان بود؛ روزیه کردونی، مدیرکل امور آسیب‌های اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، فرزانه بنی‌هاشم‌نژاد، مدیرعامل انجمن حمایت از کودکان کار و زهرا رحیمی، مدیرعامل جمعیت امام‌علی(ع). در این میزگرد دغدغه فعالان کار کودک درباره مطرح شد که در ادامه خواهید خواند.

اگر قرار باشد درباره وضعیت کودکان کار یک سؤال پرسید، به نظران مهم‌ترین و اصلی‌ترین سؤال در این حوزه چیست؟
بنی‌هاشم‌نژاد: نکته‌ای که فکر کنم می‌تواند آغاز بحث باشد، پاسخ این سؤال است که چه کسی متولی حوزه کار کودک است؟ و آیا اصلاً در قانون یک متولی برای این حوزه تعریف شده و دستگاه مربوطه به وظایفش عمل می‌کند یا نه؟ آقای کردونی بگذارید ببرسیم آیا براساس قانون، آن جایی که باید به ما جواب بدهد، همان شورای ساماندهی کودکان است یا نه؟ شاید این نقطه آغازی باشد که بشود درباره آن بحث کنیم...
کردونی: من جواب سؤال شما را می‌دهم، اما قبل از آن مسئله مهم‌تری را می‌خواهم مطرح کنم. سؤال من این است که مهم‌ترین مشکل حوزه آسیب‌های اجتماعی در کشور چیست؟ چون حوزه کودکان کار و خیابان زیرمجموعه آن سؤال است. اگر ما به آن سؤال جواب درست بدهیم، علی‌القاعده در این حوزه هم می‌توانیم جواب درست داشته باشیم. پاسخ من این است: مهم‌ترین مسئله ما این است که نمی‌دانیم مسئله‌های خودمان چیست. به عبارت بهتر، مهم‌ترین مسئله ما این است که نمی‌دانیم مهم‌ترین مسئله ما چیست. در بحث کودکان کار و خیابان، واقعا مسئله ما چیست؟ نبود بودجه است؟ نبود هماهنگی بین‌بخشی است؟ نبود متولی است؟ نداشتن دانش است؟ نبود دانش بین مدیران است؟ اگر سؤال را درست مطرح نکنیم، به پاسخ درست نخواهیم رسید؛ اما برای اینکه جواب سؤال شما را داده باشم، طبق قانون یک شورای ساماندهی کودکان خیابانی وجود دارد که از سال ۸۴ تعطیل بود، ما فعالش کردیم، بنابراین متولی آن شورااست؛ اما آیا این فعال‌شدن که یک گام به جلو رفتیم کفایت می‌کرد؟ من می‌گویم خیر، زیرا دستگاه‌هایی که باید پاسخ‌گو باشند، پاسخ‌گو نیستند و آن هم در سیستم اجرا، من فکر می‌کنم مشکل این نیست که متولی نیست، چون همه دستگاه‌ها می‌دانند از لحاظ قانونی متولی چیست. متولی شورای است که باید به آن پاسخ بدهد. من برای اینکه موضوع بحث را هم ادامه دهم، می‌خواهم شما بگویند مهم‌ترین مسئله ما در بحث کودکان کار و خیابان چیست؟

بنی‌هاشم‌نژاد: آیا من می‌توانم به‌عنوان یک فعال اجتماعی، آقای کردونی را به چالش بکشم و بگویم چرا این شورا هر سال یک گزارش برای فعالان مدنی

بچه‌ها را می‌بریم آیین‌نامه حقوق کودک را بلندبلند بخوانند و دیداری هم می‌شود از خانواده‌هایی که بچه‌های کار دارند و بعد تمام. من می‌خواهم شما که در حوزه کار کودک فعالیت می‌کنید، بگویند درباره این موضوع در جهان چه اتفاقاتی می‌افتد و اینکه در آستانه این روز، الان وضعیت کار کودک در ایران چگونه است؟ می‌توانیم بگویم نسبت به پنج سال گذشته کمتر یا حتی بیشتر شد؟

بنی‌هاشم‌نژاد: واقعیت این است که در تمام سال، همه ما در این حوزه داریم کار می‌کنیم و مختص یک روز نیست. نام‌گذاری‌ها هم یک شانی دارند. نام‌گذاری توجه عموم را به یک پدیده جلب می‌کند. همه تلاش می‌کنند این اتفاق بیفتد. ما به عنوان فعال اجتماعی می‌کشیم تا حد امکان افکار عمومی را در آن روز به این قضیه حساس کنیم. بیش از این هم انتظار خاصی از این روزها نمی‌رود. اما آقای کردونی می‌رسند به نظر ما مسئله اصلی چیست؟ من می‌گویم اطلاعات. من هر بار هم نشستیم جلوی هر یک از مدیران، گفتیم ما پول نمی‌خواهیم، ما کمک نمی‌خواهیم، بزرگ‌ساخت می‌خواهیم و مهم‌ترین زیرساخت مورد نیاز ما الان اطلاعات است. دولت یا باید خودش باشد یا رگولاتور و متولی. من خودم معتقدم حوزه آسیب اجتماعی متولی ندارد. یک مرجعیتی می‌خواهد که بتواند مجموعه ذی‌نفعان این موضوع را دور هم جمع کند.

مهم‌ترین چالش را در حوزه کودک چه می‌دانید؟
بنی‌هاشم‌نژاد: من می‌گویم مهم‌ترین چالش ما در حوزه کودکان و آسیب به‌طور عمومی، اطلاعات است که از دل آن نحوه مواجهه بیرون می‌آید؛ یعنی چون همیشه در حوزه آسیب‌های اجتماعی، واقعیت‌نمایی سخت بوده است، آمار رسمی اعتمادبرانگیز نیست و من هم نمی‌توانم ۱۰۰ درصد برادرم بپر در کوچه و شروع کنم به پرسشگری و جمع‌آوری اطلاعات. اولین کسی که جلوی من را می‌گیرد، نهادهای امنیتی هستند. الان آقای کردونی، خام رحیمی، به عنوان مدیر یکی از بزرگ‌ترین نظام‌های داوطلبی در ایران و من به عنوان مدیر یکی از قدیمی‌ترین سمن‌های فعال در این حوزه، نمی‌توانیم درباره واقعیت‌های پدیده کودکان کار با قاطعیت نظر بدهیم. و مسائل کودکان مهاجر غیرقانونی با مسائل کودکان ایرانی که پدرانشان از کار بی‌کار شده‌اند، فرق می‌کند. مسائلش مختلف هستند و راجع به این هم‌نظر نیستیم؛ حتی وقتی که ما در قالب ۴۰ انجمن در شبکه‌های یاری می‌نشینیم، واقعا نمی‌توانیم به یک تصمیم یا مهم‌تر از آن یک برنامه مشترک برسیم.
کردونی: اولاً من معتقدم در حوزه آسیب‌های اجتماعی دوره کلی‌گویی به پایان رسیده است. هیچ جای دنیا با کلی‌گویی به مقابله با آسیب‌های اجتماعی نمی‌روند، ولی ما در ایران می‌خواهیم با کلی‌گویی کار کنیم. این‌اقت، اقتص من مدیر است. اقتص آن‌جی‌او است، اقتص رسانه‌های ما است. شما نمی‌توانید بگویند من می‌خواهم اعتیاد را کاهش دهم، این جمله منسوخ است. باید بگویم اعتیاد کودکان در فلان شهرستان، آن هم در فلان منطقه است. شما تا ماهیت آسیب و وضعیت اجتماعی، فرهنگی و بومی منطقه را نشناسید، نمی‌توانید مداخله مؤثر داشته باشید. وضعیت کودکان کار و خیابان در منطقه ۱۲ با منطقه ۱۸ متفاوت است و آن وقت دوست دیگری که مثلاً در فلان استان کار کرده، می‌گوید آنجا هم با اینجا متفاوت است؛ بنابراین اولین نکته‌ای که همه ما باید رعایت کنیم، این است: اولاً کلی‌گویی نکنیم، ثانیاً همه مسئله را هم نمی‌توانیم یک‌شبه حل کنیم... آیا دنیا توانسته مسئله کودکان کار را حل کند؟

ادامه در صفحه ۱۷

آسیب‌های اجتماعی علت یا معلول؟

شاپور اسماعیلیان - حقوق‌دان

● اگرچه سخنان وزیر کشور در صحن علنی مجلس درباره آمار و ارقام آسیب‌های اجتماعی موجب تحلیل‌های مختلفی شده، اما در این تحلیل‌ها، غالباً یک نکته اساسی مغفول مانده است. محور سخنان وزیر کشور این است که «در رسیدگی به آسیب‌های اجتماعی ۲۰ سال عقب هستیم؛ بنابراین همه کسانی که در حیطه موضوعات اجتماعی مسئولیت دارند، باید خود را در قبال مشکلات مسئول دانسته و برای حل آن اقدامات لازم را انجام دهند». در گزارش این مقام مسئول، تنها به موارد معدود، اما مهمی از مصداق‌های آسیب‌های اجتماعی، از قبیل رواج پدیده حاشیه‌نشینی، بی‌کاری، اعتیاد و طلاق اشاره شده؛ درحالی‌که در شرایط کنونی، مصداق‌ها فراتر از اینهاست. به هر صورت، نکته و پرسش مغفول این است که آیا آسیب‌های اجتماعی، علت ایجاد پدیده‌ها و وضعیت‌های ناهنجارند یا خود معلول این‌گونه وضعیت‌ها هستند؟ بدون تردید، پاسخ به این پرسش می‌تواند در شناخت جهت و راهکار مقابله با این معضل تأثیرگذار باشد. ابتدا ضروری است آسیب اجتماعی تعریف شود. دریک تعریف ساده، می‌توان گفت منظور از آسیب اجتماعی وضعیتی است که در آن اصول و هنجارهای ارزشمند جامعه با بی‌توجهی یا تخطی افراد مواجه می‌شود؛ ازاین‌رو آسیب‌های اجتماعی ریشه در بی‌نظمی‌ها و کج‌رفتاری‌ها دارد که اگر برای مهار آنها چاره‌ای اندیشیده نشود، اختلال در نظام اجتماعی و عواقب وخیم آن را به دنبال خواهد داشت. بدون شک، این تعریف نظری است و می‌تواند جامع و مانع باشد؛ برای مثال افزایش نرخ بی‌کاری نوعی آسیب اجتماعی است، ولی در رواج این پدیده، فرد مسئول نیست و ممکن است بی‌تدبیری برخی دولت‌مردان موجب درپیش‌گرفتن سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی ناگوارآمد و وخیم‌ترشدن اوضاع اشتغال شود. در چنین وضعیتی دولت‌مردان، مسئول و عامل رواج پدیده بی‌کاری هستند و آسیب اجتماعی که خود معلول قصور یا تقصیر مستقیم یا غیرمستقیم اداره‌کنندگان جامعه است، می‌تواند علت ناهنجاری‌ها و انحرافات اجتماعی به شمار آید؛ مانند اعتیاد فرد بی‌کار و ناتوان از تأمین معاش روزانه، به مصرف مواد مخدر صنعتی و اسرار معاش از طریق خریدوفروش این مواد یا ایجاد انگیزه در او برای ارتکاب جرائم مالی؛ ازاین‌رو، آسیب‌های اجتماعی ویژگی‌ای دوطرفه دارند. به سخن دیگر، گاهی معلول و گاهی علت وضعیت‌های ناهنجار و اغلب واجد این ویژگی، دوگانه‌اند. تصور اینکه جامعه‌ای عاری از هرگونه آسیب اجتماعی باشد، تصویری واقعی نیست؛ بنابراین وجود آسیب‌های اجتماعی در حد نرمال تا حدی پذیرفتنی است. این روند متعارف نشانه‌ای است برای دولت‌مردان و گردانندگان جامعه تا فرصت اصلاح امور و رفع کاستی‌ها را دریابند. در غیر این‌صورت، با فرونی و حادثشدن آسیب‌های اجتماعی ممکن است دولت‌مردان ناچار از تحمل هزینه‌های سنگین باشند یا اساساً مهار این آسیب‌ها ممکن نباشد و جامعه دچار طغیانات حاد شود. همان‌طور که از دید امیل دورکیم، جامعه‌شناس فرانسوی، ارقام میانه کج‌فتاری یا جرم، به طور نسبی در هر جامعه‌ای، یک پدیده نرمال است.

ادامه در صفحه ۱۷

جدول ۲۴۶۸ ■ طراح: ییزن گورانی

افقی:

۱- نوعی ماده مخدر - شرف و آبرو ۲- افراد یک گروه- ویرگول- سوسن زرد ۳- حاتم معروف- در صورت فلکی نیمکره‌شمالی آسمان- خرده ۴- حرف فاصله- زن گندم‌گون- واضح و آشکار ۵- آماده و فراهم- صاحب درفش کاویانی- سلاح رستم ۶- کلاه پادشاهی- اخترشناسی- انگیزه ۷- استانی در هند- فرشته جان‌ستان- مادر عرب‌زبان ۸- با خیر و برکت- پسر عرب- چشمه ۹- بله آلمانی- خواستن... است- قدرت و توان ۱۰- درج‌شده- نان خردشده در آب‌گوشه- دارای خرابی مختصر ۱۱- پس از آن- خسته و درمانده- از مرکبات ۱۲- غیرقابل انکار- ورقه‌های نازک سیب‌زمینی برشته‌شده- زیرا مانده ۱۳- معلم مقطع متوسطه- از پرندگان شناگر- برگشتن ۱۴- سفید در گوشت آذری‌ها- غبار- شریف ۱۵- نشان کرده- فروشگاه بزرگ.

عمودی:

۱- ضمیر حداقل دوتفره- تشک مخصوص جودو- آهن گداخته را روی آن می‌کوبند ۲- عطاکردن- طرفی با پارچه آغشته به جوهر برای مهرزدن - ماندگاری ۳- خشنودی- قانع‌شده- رابطه خویشاوندی آبا و اجدادی ۴- زن نازا- از دین‌برگشته- شهری در استان خراسان‌رضوی ۵- سمت راست- دوجرخه مسابقه‌ای- جای یا ۶- بتی در عصر جاهلی- گوشه‌ای در دستگاه نوا- علم به احکام شرع ۷- امیدوارکردن- صفت

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱														
۲														
۳														
۴														
۵														
۶														
۷														
۸														
۹														
۱۰														
۱۱														
۱۲														
۱۳														
۱۴														
۱۵														

باد- عامل بیماری‌زای بسیار کوچک ۸- گهواره- آماده برای خدمتگزاری- از نام‌های مستعار دهخدا ۹- نوعی التهاب پوستی - نوعی میمون دم‌دار- معاینه کلی برای ارزیابی وضع جسمانی ۱۰- نیستی و عدم- رنگ تسکین ناراحتی‌های پوستی - سرود دسته‌جمعی

۳	۲	۴	۳	۹	۵	۷	۱	۸
۳	۷	۹	۱	۱۶	۴	۵	۲	۸
۸	۵	۱	۷	۶	۲	۹	۳	۴
۷	۳	۶	۸	۱	۹	۳	۵	۴
۶	۸	۳	۶	۵	۲	۱	۷	۹
۱	۹	۵	۷	۴	۳	۸	۶	۲
۶	۱	۸	۵	۳	۴	۹	۲	۷
۹	۴	۷	۱	۲	۸	۵	۳	۶
۵	۴	۷	۱	۶	۵	۳	۸	۱

حل سودوکو ۱۵۶۴

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳
۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴
۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵
۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶
۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷
۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸
۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹
۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱
۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲
۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳
۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴
۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵

جدول ۲۴۶۸

سودوکو سخت ۱۵۶۴

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ۱۵۶۴

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.